

اطلاعیه پایانی پلنوم نهم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران
صفحه ۲

مصاحبه با آزاد نسیم مسئول تشکیلات خارج کشور حزب درباره کمپین دفاع از تسلیحه نسرين
صفحه ۲

در اندوه بزرگ این تراژدی
صفحه ۲
صفحه حزب
صفحه ۳
رویدادهای ایران
صفحه ۴
از نشریات داخل
صفحه ۴

انقلاب کارگری اکتبر پرچم تغییر جهان و ایجاد یک دنیای بهتر بود جهان ما به اکتبر دیگری نیاز دارد

انقلاب اکتبر، "ده روزی که دنیا را لرزاند"، کماکان الهام بخش تلاش جمعی و فردی میلیونها کارگر و بشریت آزاداندیش است که امید و باور خویش را به تغییر جهان بدست خود انسان و برپائی دنیائی آزاد و مرفه از دست ندادند. گرامیداشت اکتبر براین واقعیت تاکید دارد که آرمانهای انقلاب اکتبر هنوز تحقق نیافتهاند و باید آنها را متحقق کرد. گرامیداشت انقلاب اکتبر اعلام این باور است که نظام سرمایه‌داری پاسخی به نیازهای انسان امروز ندارد و بشریت کارگر برای آزادی خویش و کل جامعه، نیازمند برپا کردن اکتبر دیگری است.

قرن بیستم، قرن طوفان اکتبر بود. قرن پیروزی و شکستهایش و مهتری که بر تاریخ یک سده پسر کوبید. اکتبر، انقلاب سوسیالیستی کارگران روسیه، خرافه آزلی و ابدی بودن نظام سرمایه‌داری را بکناری نهاد. اکتبر یک نمونه دخالت مستقل کمونیسم و کارگر در معادلات قدرت سیاسی بود. برخلاف کلیه جریانات و "راه‌حلهای" چپ و راست بورژوازی که در طول قرن قدرت رسیدند و از اساس بهره‌کشی و تبعیض سرمایه‌داری دفاع کردند و نژادپرستی و ناسیونالیسم و مذهب و خرافات را بجان مردم انداختند، اکتبر انفجاری عظیم با پرچم تغییر در زندگی بشر معاصر و لغو امتیازات سیاسی و اقتصادی بورژوازی بود.

وحشت بورژوازی دقیقا از آزادیخواهی افراطی اکتبر بود. وقتی که اکتبر با شعار "همه قدرت به شوراهای" دخالت واقعی مردم را در قدرت سیاسی تامین کرد، در نظامهای دیگر حتی دمکراتیک‌ترین کارگران و زنان و رنگین پوستان از حق رای محروم بودند و شهروند درجه دوم بحساب می‌آمدند. خواست حق رای همگانی در این کشورها بدنبال پیروزی اکتبر تثبیت شد. از تحقق هشت ساعت کار تا حق زنده ماندن و داشتن مسکن، از حداقل رفاه اجتماعی تا برابری زن و مرد و آزادیهای سیاسی در غرب، جملگی محصول انقلاب اکتبر و عقب‌نشینی بورژوازی از ترس تکرار الگوی اکتبر بود. این وحشت را بورژوازی در تهاجم نظامی و محاصره اقتصادی چهارده کشور اروپائی و آمریکائی به انقلاب اکتبر، در سازمان دادن چند دهه مک‌کارتیسم و ضدکمونیسم لجام گسیخته علیه آن و حمله به آرمانهای اکتبر در دهه نود به بهانه سقوط سرمایه‌داری دولتی در شرق، بنمایش گذاشته است. وقایع سالهای دهه نود بیان این حقیقت بود که بورژوازی، حتی در اوج هیستری ضد کمونیسم و قوه قهریه سیاسی - تبلیغاتی اش علیه آزادیخواهی کارگری، نمیتواند آرمانهای اکتبر را نابود کند. بعد از فروپاشی دیوار برلین تندیس‌های لنین را بزیر کشیدند، اما چند سال بعد، شاهد بالا رفتن عکسهایش در اجتماعات کارگری اول مه شدند. دلقت بازی "پایان تاریخ" و "کمونیسم مرد" براه انداختند، اما، با بزرگداشت‌های باشکوه یکصد و پنجاهمین سال انتشار مانیفست کمونیست و اعتراف شرم آگین متفکرین بورژوازی به این واقعیت که "مارکس به صحنه بازگشته است" و "مارکس متفکر قرن آتی است"، مواجه شدند. اینها صریحا حقانیت آرمانهای اکتبر و زنده بودن جنبش کمونیسم کارگری، بعنوان انسانی‌ترین و آزادیخواه‌ترین انتقاد اجتماعی، در جوامع سرمایه‌داری امروز را تاکید میکنند.

انقلاب اکتبر، "ده روزی که دنیا را لرزاند"، قرن بیستم را با نام و آوازه افتخار آفرینش، با شیخ بازگشت کمونیسم به صحنه سیاسی، دارد بپایان میبرد. مهمتر اینکه پیشرفتهای اقتصادی، علمی، تکنولوژیکی و مدنی تاکنونی جامعه بشری شرایط و امکان مادی برپائی یک جامعه آزاد بدون طبقه و بدون استثمار و ستم، یک جامعه جهانی سوسیالیستی را بیش از هر وقت دیگر فراهم کرده است. اکتبر دیگری با بیرق مانیفست کمونیست و شعار "هر کس باندازه توانش و هر کس باندازه نیازش"، مبرمترین نیاز طبقه کارگر برای تغییر جهان و ساختن یک دنیای بهتر است. در گرامیداشت اکتبر این را باید با صدای رسا اعلام کرد.

زنده باد انقلاب کارگری، زنده باد اکتبر!
تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران
۳۱ اکتبر ۹۸

اکسیونهای سراسری حزب کمونیست کارگری ایران در دفاع از تسلیحه نسرين با موفقیت انجام شد
صفحه ۳

درگیری مردم پیرانشهر و نیروهای سرکوبگر بدنبال قتل یک جوان توسط مزدوران رژیم
صفحه ۲

هشدار: رسانه‌ها و دولت سوئد فاجعه گوتنبرگ را دستمایه تقویت جریانات اسلامی و ایزوله کردن مهاجرین میکنند
مردم سوئد سیاست رسانه‌ها و دولت مبنی بر تقویت جریانات اسلامی را در مقابل خود میدانند و از آن عمیقا بیزارند.

بدنبال فاجعه یوتبوری در تلویزیون و بخشی از مطبوعات سوئد موجی از ارائه تصویر مذهبی و غیر واقعی از مهاجرین شروع شده است. این تبلیغات مسموم بروشنی نشان میدهد که اینها نه فقط نمیخواهند به دلالت و علل اجتماعی از دست رفتن ۶۳ شهروند این جامعه بپردازند، بلکه، سرنوشت سایر جوانان هم چندان برایشان اهمیتی ندارد. ما در اطلاعیه دوم نوامبر به این ادامه در صفحه ۲

مرگ بر جمهوری اسلامی ایران

علیه قانون انطباق امور پزشکی با موازین شرعی

این شعاری نیست که فقط در پایین اعلامیه‌ها میاید. آخرین اقدام این رژیم کثیف و جنایتکار، فوریت این شعار را هر چه بیشتر در دستور کار قرار میدهد. بالاخره لایحه انطباق امور پزشکی با موازین شرعی به تصویب رسید و به قانون کشور تبدیل شد. طبق این قانون کلیه خدمات پزشکی در ایران متناسب با جنسیت در اختیار مردم گذاشته میشود. بدینصورت آپارتاید جنسی تحت حکومت جمهوری اسلامی به حد اعلای خود رسیده است. زنان حال نه تنها باید فشارها و زورکوبی‌های این رژیم را که ۲۰ سال ادامه دارد تحمل کنند بلکه از یکی از پایه‌ای ترین خدماتی که جامعه باید به آنها بعنوان آحاد جامعه بدهد محروم بمانند.

قانون فوق عملا به این معنا است که بسیاری از خدمات و امور پزشکی که دارای پرسنل عمدتا مرد است در اختیار زنان گذاشته نمیشود. جمهوری اسلامی این بار از وضع و اجرای قوانین سرکوب کننده و تحقیر آمیز فراتر رفته و عملا عزم جزم کرده است که زنان را در روز روشن به قتل برساند. این رژیم جنایتکار و قاتل باید برود. این رژیم قصد دارد زنان را کشتار دستجمعی کند. فقط اتاقهای گاز کم دارد. زنان در ایران و کل جامعه پزشکی نفرت خود را از این اقدام نشان داده اند. نباید سکوت کرد. باید با صدای بلند فریاد زد که جمهوری اسلامی ایران یک حکومت جنایتکار و دشمن زن و دشمن انسان است و باید سرنگون شود و همه سران آن محاکمه شوند.

مریم گوشا

کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان در ایران
۴ نوامبر ۹۸

کارگران و جدال جناحها بر سر

مصطفی صابر **قانون کار اسلامی**
صفحه ۴

طرح ارتجاعی جداسازی کامل زنان در امور درمانی و پزشکی تصویب شد
تعرض جدید رژیم اسلامی به حق حیات سی میلیون زن باید فوراً موقوف شود!

جهان باید علیه آشویتس اسلامی این رژیم زن ستیز به اعتراض برخیزد رژیم اسلامی آپارتاید جنسی تنها سزاوار سرنگونی است

طرح جداسازی کامل زنان در امور خدمات بهداشتی، درمانی و پزشکی روز یکشنبه دهم آبان - اول نوامبر در مجلس اسلامی بتصویب نهائی رسید. این طرح، که ارائه هر نوع خدمات پزشکی و درمانی در ایران را تابع جنسیت میکند، با هدف انطباق موسسات پزشکی با "موازین شرع اسلام" تهیه و تدوین شده است.

زنان - مردانه کردن خدمات درمانی و بهداشتی و پزشکی درشرایطی به تصویب مجلس جانیان و اوباشان اسلامی میرسد، که پیش تر نیز قوانین کثیف اسلامی، زنان را در عرصه‌های مختلف حیات اجتماعی عقب رانده و به شهروندان درجه دوم تبدیل کرده است. تصویب این قانون، در جامعه‌ای که زن بودن به حکم همان "موازین شرعی" یعنی محرومیت از شرکت در بخش وسیعی از فعالیتهای اجتماعی، معنی دیگری جز تعرض وحشیانه و وسیع به نفس حق حیات سی و چند ملیون زنان ایران ندارد. این نه فقط تداوم و بسط قوانین آپارتاید جنسی علیه زنان بلکه در شرایط کنکرت ایران فرستادن بیش از سی میلیون زن به قتلگاه است. در کشوری که به ازای هر چند هزار نفر یک پزشک وجود دارد و مردم از کمبود امکانات درمانی و بهداشتی و پزشکی رنج میبرند و هر روز قربانی می‌دهند، اجرای این قانون بلافاصله جان و سلامتی نیمی از جامعه را به مخاطره جدی میاندازد. این یک آشویتس اسلامی ضد زن است که رژیم اوباشان اسلامی، رژیم خامنه‌ای و خاتمی و رفسنجانی برای تکمیل محرومیت زنان حتی در عرصه ابتدائی ترین حق انسان یعنی حق حیات تدارک دیده‌اند.

واقعا جریاناتی که در اپوزیسیون ایران شاهد تداوم این توحش قرون وسطائی رژیم اسلامی در ایران هستند و هنوز به جناحهایی از این رژیم امید بسته اند که مجلس آن تصویب کننده و رئیس جمهور و دولت آن مجریان چنین قوانین جنایتکارانه هستند، پاسخ مردم اسیر را چه میدهند؟ آیا آنقدر از شرم و انسانیت دورند که باز حاضر شوند در چشم این مردم محروم نگاه کنند و به خاتمی امیدوارشان کنند؟

حزب کمونیست کارگری ایران این تعرض وحشیانه رژیم اسلامی علیه زنان ایران را شدیداً محکوم میکند. اجرای این طرح باید با نیروی اعتراض بشریت آزادیخواه و مدافع حقوق انکار ناپذیر و جهانشمول زنان و مردان، متوقف شود. ما تمام تلاش خود را برای عقب راندن این طرح فوق ارتجاعی و ضد بشری بکار خواهیم گرفت. رژیم اسلامی بخاطر دو دهه جنایت و تحمیل قوانین آپارتاید سزاوار سرنگونی و در قدم اول سزاوار انزوی کامل بین المللی است. رهائی مردم ایران از یوغ نکبت رژیم اسلامی تنها با سرنگونی این رژیم و برقراری یک جامعه آزاد و انسانی میسر است.

حزب کمونیست کارگری ایران زنان و مردان آزادیخواه و بویژه طبقه کارگر ایران را به اعتراض وسیع علیه رژیم جنایتکار اسلامی و جارو کردن آن از صحنه سیاست و زندگی متعارف جامعه ایران فرا میخواند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی!
دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران
۱۳ آبان ۱۳۷۷، ۴ نوامبر ۹۸

مصاحبه با آزاد نسیم مسئول تشکیلات خارج کشور حزب درباره کمپین دفاع از تسلیمه نسرين

ایسکرا: هدف مشخص این کمپین و هدف سیاسی کلی آن چیست: **آزاد نسیم:** از طریق نامهای که تسلیمه نسرين از مخفیگاه خودش نوشته بود مطلع شدیم که هنگام بازگشت تسلیمه و مادرش به بنگلادش، اوباشان اسلام با اعلام تظاهرات و اعتصاب خواهان دستگیری و اعدام وی شده اند. یک لحظه تصور کنید، عده ای با دهنهای کف کرده و شمشیر بدست میخواهند انسانی را که به برابری زن و مرد اعتقاد دارد گردن بزنند. وحشیانه تر از این چیست؟

با شنیدن این خبر بلافاصله کمپین دفاع از تسلیمه نسرين را بکمک و همراهی حزب کمونیست کارگری عراق و کمپین دفاع از حقوق زنان در ایران برای نجات جان وی فراخوان دادیم. هدف مشخص ما از این کمپین در واقع خواست خود تسلیمه نسرين یعنی، تضمین امنیت و خروج او و مادرش از چنگال جانیان اسلام و از بنگلادش بود. در اطلاعیه ای خطاب به اتحادیه های کارگری، سازمانهای پیشرو و مدافع حقوق زنان و مردم آزادیخواه، نسبت به وضعیت اضطراری و خطرناکی که تسلیمه در آن گرفتار شده بود هشدار دادیم و آنها را دعوت کردیم که برای نجات جان تسلیمه و مادر مریض او کمک کنند و در این کمپین شریک شوند. گزارش فعالیت‌های این کمپین تا ۲ نوامبر را در یک اطلاعیه مطبوعاتی بااطلاع عموم رسانده‌ایم.

هدف کلی این کمپین اما علاوه بر تلاش برای تضمین و تامین امنیت جانی و خروج تسلیمه و مادرش از بنگلادش، دفاع از حقوق مدنی و آزادیهای فردی تسلیمه نسرين و افشای مذهب بویژه مذهب اسلام بعنوان یک جنبش سیاسی معین است که رژیمهای آن در ایران، افغانستان و عربستان نمونه‌های عینی بربریت و قلدردنشی ارتجاع مذهبی در پایان قرن بیستم هستند. این کیس و هدف کلی ما در دفاع از تسلیمه را هم باید در این چارچوب و در کمپ تعرض به مذهب و اسلام سیاسی دید. وضعیت تسلیمه نسرين گوشه‌ای از واقعیت دردناک و اسفبار زنان تحت حاکمیت اسلام و قوانین اسلامی است. تسلیمه مانند هر انسان آزاده و پیشروی میگوید: مذهب و کتب مذهبی کهنه و بی ربط به زندگی انسانها هستند، مذهب زنان را برده مردان میدانند، او میگوید نباید تن به این جهالت داد. تسلیمه با تحمل شرایط سخت و خطرناک پای حرفش ایستاده و کوتاه نمیايد. و این قابل تحسین است. تکذیب فوری شایعه جعلی درباره امکان بازگشت او از گفته هایش نشان استواری این انسان آزاده و شجاع بر مواضع پیشرو خویش است.

کیس تسلیمه نسرين فرصت دیگری بود تا ابعاد و عملکرد بشدت ارتجاعی، مخرب و ضد انسانی مذهب را افشا کنیم و بدون هیچگونه "ملاحظه و تبصره" ای علیه دین و مزخرفات مربوط به آن بایستیم. این کمپین بخشی از مبارزه اجتماعی ما علیه مذهب و بویژه اسلام است. علیه جنبشی ارتجاعی است که از دو دهه پیش در برخی مناطق جهان سر از گور برآورده، وحشیانه شروع به دست اندازی به جان و مال مردم کرده و هر روز هزاران قربانی میگیرد.

برای ما زندانی کردن نیمی از جامعه انسانی بخاطر زن بودن در خانه زجر آور است. ما تحمل تجاوز به دختران ۹ ساله تحت قوانین ارتجاعی اسلام را نداریم. زنانه مردانه کردن خدمات درمانی و بهداشتی و پزشکی که همین یک هفته پیش در مجلس جمهوری اسلامی در ایران بتصویب رسید را عین جنایت علیه بشریت میدانیم. بمب گذاشتن و منفجر کردن اتوبوس پر از کودک، سنگسار و قصاص و مثله کردن انسانها را یک لحظه هم نمیتوانیم تحمل کنیم. دار زدن تلویزیون، جلوگیری از گسترش دانش و آگاهی مردم، خفه کردن شادی مردم و هر آنچه از طریق مذاهب برای بعقب راندن دستاوردهای سکولار جامعه صوت میگیرد، از نظر ما شنیع و نفرت انگیز است. با این تفکر متعجر و جنبشی که حول آن برافزاده باید بشدت مبارزه کرد. کاری که حزب و جنبش ما میکند در همین راستاست و کیس تسلیمه هم جزئی از آن است.

ایسکرا: با توجه به اینکه اخبار تاکتونی کمپین در اطلاعیه مطبوعاتی تشکیلات خارج کشور آمده است سوال این است که این کمپین به چه صورت ادامه خواهد یافت؟

آزاد نسیم: این کمپین تاکنون توانسته حمایت دهها اتحادیه کارگری، سازمانهای مدافع حقوق زنان و نهادهای پیشرو را جلب کند. این سازمانها حمایت خود را از تسلیمه نسرين اعلام کردند و بر خواست تضمین و تامین امنیت تسلیمه تاکید نمودند. نامه های اعتراضی به سفارتخانه‌های بنگلادش نوشتند و خواستند که به آزادی و حقوق انسانی تسلیمه احترام گذاشته شود. حمایتها هنوز ادامه دارد و کمپین هم تا تحقق خواسته‌های اعلام شده ادامه مییابد.

واضح است که از طریق جلب حمایت بیشتر و تداوم کمپین باید فشار بیشتری به دولت بنگلادش بیاوریم تا مجبور شود امنیت تسلیمه و خروج وی از کشور را تضمین کند. این کمپین کماکان به حمایت کلیه سازمانها و انسانهای آزادیخواه و مترقی نیاز دارد.

ایسکرا

سر دبیر: فاتح شیخ الاسلامی

E-Mail: fa.shaik@swipnet.se

همکار فنی: غلام اکبری

اطلاعیه پایانی پلنوم نهم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

پلنوم نهم کمیته مرکزی در نیمه اول نوامبر ۹۸ (نیمه دوم آبان ۷۷) برگزار شد. در این پلنوم وسیع علاوه بر ۲۳ نفر از ۲۵ عضو کمیته مرکزی حزب، ۴۰ نفر از کادرهای حزب و هیاتی سه نفره از دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری عراق شرکت داشتند.

دستور جلسه پلنوم عبارت بود از:

- * مشخصات سیاسی، وظایف و عنوان نظام سیاسی آتی در ایران. در این مبحث که یکروز به طول انجامید، موضوع شکل و ساختار و عنوان مشخص حکومت کارگری که باید با سرنگونی رژیم اسلامی برقرار گردد مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت.
- * رابطه حزب و جامعه. در این مبحث مکاتیمس های اجتماعی قدرت یابی حزب و جنبش کمونیسم کارگری از جوانب نظری، سیاسی و عملی، مورد بحث و تحلیل قرار گرفت.
- * حضور مسلح حزب در کردستان. در این بخش، پلنوم نسبتا به تفصیل گرگه‌گاه های سیاست ایجاد نیروی پارتیزانی و حفاظتی حزب در کردستان را مورد بحث قرار داد.
- * انتخابات دفتر سیاسی. پلنوم رفقای زیر را به عضویت دفتر

رسانه ها و دولت سوئد ...

سیاست مذهب تراشیدن برای مهاجرین و زمینچینی رسانه ها اشاره کرده بودیم. در دو هفته ای که از این فاجعه میگذرد، رسانه‌ها این تبلیغات وارونه را شدت بخشیده‌اند. بگذارید چند نمونه را اشاره کنیم؛ ابتدا آخوندی را به تلویزیون آوردند تا او را سمبل مهاجرین جا بزنند. سپس نماینده سفارت رژیم اسلامی، رژیم دشمن شادی و رقص و موزیک و دیسکو، را آوردند تا القا کنند که نماینده رژیم را نماینده مهاجرین هم میدانند. دو روز بعد مراسم چندده نفره نماز جمعه و قرآن‌خوانی را بیش از یکساعت مستقیما از تلویزیون پخش کردند و در آن همه مهاجرین را یکجا مسلمان نامیدند! امامان مرتجع را از کشورهای مختلف پشت تریبون نشاندند تا اراجیفشان را در ذهن هشت میلیون نفر، عقاید مهاجرین مقیم سوئد بنامند. معاون نخست وزیر هم به نمایندگی از دولت سوئد در این مراسم بر لزوم "همبستگی مسلمانان و مسیحیان" تاکید کرد. اما تلویزیون سوئد در ادامه این برخورد مراسم تدفین ده هزار نفره گوتنبرگ

را، که در فضائی انسانی، سکولار و آزاد از مذهب و تشریفات مذهبی صورت گرفت، کاملا سانسور کرد و همان انعکاس ۳۰ ثانیه‌ای این مراسم را نیز اسلامی نامید. شهردار گوتنبرگ از اینکه مهاجرین با مفهوم دمکراسی آشنائی ندارند صحبت کرد و پادشاه و ملکه نیز در همان روز خاکسپاری با نادیده گرفتن آن مراسم ده هزارنفری، به دیدار چند خانواده مسلمان رفتند و دوربین ها روی همبستگی پادشاه و ملکه با آخوندی که در مجلس عزاداران بود متمرکز شدند. ایشان ظاهرا وقت نکردند که حتی دسته کلی در همبستگی با آن ده هزار نفر که از سراسر سوئد در همان شهر جمع شده بودند، ارسال کنند! در اینمدت نیز در کانالهای رادیویی دولتی از ضرورت ساختن مسجد صحبت شد. جوانان دیسکوی بهتر میخواهند و مقامات بفکر درست کردن مسجد بیشتر افتاده اند تا جوانان را به مسجد بکشاند. کاری که جمهوری اسلامی با اعدام و شکنجه و بیست سال سرکوب هم نتوانست بکند. در روزنامه ها نیز همین ریتیم را ادامه دادند. داگنز نی هتر در کنار خبر مارش غیرمذهبی ده هزار نفره از کمیود مسجد مینالد و بدتر از آن روزنامه مترو در میان سیل اطلاعیه ها و پیامهای همبستگی مردم غمگین سوئد، اطلاعیه‌ای مشکوک، تحریک آمیز و بی امضا را که عنوان کرده بود: "۶۳ مهاجر کشته شدند، حالا نوبت ۶۳ سوئدی است"، منتشر کرد! این سیاست آگاهانه دولت سوئد و برخی رسانه ها بوده است. واقعا شرم آور است و وجدان هر انسانی را بدرد میاورد.

اما در جامعه، برخلاف تصویر ارتجاعی و تماما دروغ و خطرناک رسانه های سوئد و در مقابل جبهه عقب افتاده دولت و رسانه ها، جبهه مردم انساندوست و همبستگی انسانی قدرتمند بود. آنچه در حاشیه بود مذهب و ملیت بود. همه احساس میکردند که ۶۳ فرزندان را از دست داده اند. یک لحظه ارسال پیام و گل و همبستگی و همدردی قطع نمیشد. دهها مراسم باشکوه در گوشه و کنار سوئد برگزار شد. تجمع دختران و پسران سوئدی تا پاسی از شب

در اندوه بزرگ این تراژدی

فاجعه جانگداز آتش سوزی در گوتنبرگ سوئد، ۶۳ جوان را از ما گرفت و به شمار زیاد دیگری آسیب رساند. اینها جمعی از جوانان شهر بودند که در وراء تفاوتها در آن شب، در آن دیسکو،

جویای شادی، دور هم جمع شده بودند و هرگز فکر نمیکردند لحظات شادیشان به چنین تراژدی هولناکی منتهی میشود. این فاجعه باورنکردنی جامعه سوئد را در اندوه عمیقی فرو برد و قلب میلیونها انسان در سراسر جهان را شدیداً بدرد آورد. مصیبت بطرز ویژه ای بزرگ و دردناک

سیاسی حزب انتخاب نمود:

حمید تقوایی، رحمان حسین زاده، منصور حکمت، اصغر کریمی، آذر ماجدی، کورش مدرسی و رضا مقدم رفقای زیر بعنوان اعضای مشاور دفتر سیاسی انتخاب شدند: مینا احدی، فاتح بهرامی، علی جوادی، ثریا شهابی، فاتح شیخ الاسلامی، اسد گلچینی

همچنین منصور حکمت و اصغر کریمی بعنوان دبیر و معاون دبیر کمیته مرکزی ابقا شدند.

پلنوم همچنین نه تن از کادرهای حزب را بعنوان مشاور کمیته مرکزی حزب انتخاب نمود:

مجید حسینی، عبدالله دارابی، سیاوش دانشور، صالح سرداری، مصطفی صابر، محمود قزوینی، مریم کوشا، سیاوش مدرسی و بهروز میلانی. مشاورین کمیته مرکزی در پلنومهای کمیته مرکزی شرکت خواهند کرد.

پلنوم همچنین قراری در مورد اهمیت و ضرورت تشدید مبارزه علیه جریانات و حرکت‌های اسلامی، هم در ایران و منطقه و هم در سطح جهانی، به تصویب رساند که متن آن بطور جداگانه منتشر میشود.

کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

۱۲ نوامبر ۹۸ (۲۱ آبان ۷۷)

در میدانهای شهر برای تنها نگذاشتن دوستان از دست رفته شان هنوز ادامه دارد. هنوز باور نمیکند که دوستانشان را از دست داده اند. در ذهن مردم و مهاجرین هزار و یک سوال، نگرانی از آینده و نقشی که میتوانند بعهده بگیرند میچرخد. اینها را هم دولت سوئد و هم رسانه ها بخوبی میدانند. اما از نظر آنها ارزاترین راه همان دور نگهداشتن مهاجرین از سوخت و ساز جامعه سوئد است. خودشان را به نفهمی میزنند که در این مراسمهای مذهبی کودکان را بزور نشانده اند تا قرآن گوش کنند و جالب است که این سوالی را در ذهن خانم معاون نخست وزیر ایجاد نمیکند! میدانند که باز شدن مجدد بحث حاشیه نشینی و مسئله ادغام مهاجرین در جامعه، خواست مسئولیت جامعه در مقابل حق برابر کودکان و

زنان مستقل از تعلق ملی و مذهبی، با تنوری نژاد پرستانه "تسبیت فرهنگی" جور در نیاید. اینها با پر و بال دادن به فرقه های اسلامی میخواهند از کنار سوالات اساسی که در مقابلشان گرفته شده فرار کنند. نقش رسانه ها در این سیاست سانسور انسانیت بزرگ و تسایلات قوی غیر مذهبی و سکولار مهاجرین و خنثی کردن همبستگی عظیمی است که در جامعه سوئد بدنبال این فاجعه شکل گرفته است. از نظر جبهه مقابل، جبهه مردم شرافتمند و انساندوست این سیاست قویا محکوم است.

مردم آزادیخواه و انساندوست سوئد

هشدار که بجای پیگیری و روشن کردن علل این فاجعه، تامین امکانات برای جوانان و پاسخ جدی و روشن به مساله ادغام مهاجرین در جامعه سوئد، دارند فاجعه یوتیوبی را دستمایه تقویت جریانات اسلامی و گسترش گتوهای مذهبی میکنند و بدین ترتیب تدارک فاجعه های انسانی و اجتماعی بمراتب بزرگتر را می بینند.

بیائید تا همبستگی انسانی مان را به نیروئی در مقابل این سیاست کثیف و تماما ارتجاعی دولت و رسانه ها تبدیل کنیم. مهاجرین و بویژه جوانان مسجد و آخوند نمیخواهند، از تبلیغات مذهبی متنفرند، از مراسم مذهبی متنفرند. برای مهاجران ایرانی تبلیغات اسلامی و مشاهده قیافه آخوند یادآور بیست سال شکنجه و اعدام، بیست سال بیحقوقی و سرکوب، بیست سال آپارتاید جنسی است. تبلیغات برخی رسانه های سوئد در دوهفته گذشته یادآور همه فجایعی است که منشاء مهاجرت میلیونها ایرانی بوده است. این تبلیغات یادآور جنایات اسلامیها در الجزایر و افغانستان است. بیائید در مقابل این سیاست ارتجاعی قاطعانه بایستیم و اعتراض کنیم. این روشن ترین جلوه تعهد به خاطر ۶۳ عزیز است که دیگر در میان ما نیستند.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری

ایران - سوئد

۱۰ نوامبر ۹۸

در خود فراگرفته و بر گرد این انده و مشترک جمع کرده بود. چنین حس عالی انسانی را باید عمیقا قدر دانست. بنویه خود در غم از دست دادن این عزیزان شریکم و از صمیم قلب به همه خانواده ها و بستگان و دوستانشان تسلیت میگویم. فاتح شیخ الاسلامی

بود. در مقابل، همبستگی انسانی و همدردی مردمی بغایت عظیم بود، چنانکه علیرغم تلاش تفرقه افکنانه ارتجاع مذهبی و سفارت رژیم اسلامی و همناوئی تلویزیون دولتی سوئد و برخی رسانه ها با آن، حلقه بزرگ این همدردی انسانی و گسترده، طی دو هفته اخیر، تمام مدت، داغدیدگان فاجعه را

از صفحه حزب در اینترنت دیدن کنید <http://www.wpiran.org>

رویدادهای ایران

جنگ رژیم علیه مهاجرین افغانستانی و سکوت اپوزیسیون

رجزخوانیه‌های جنگی اوباشان جمهوری اسلامی و اوباشان طالبان ظاهرا فروکش کرده است. اما جنگ رژیم اسلامی علیه مهاجرین و کارگران افغانستانی مقیم ایران همچنان ادامه دارد. روز شنبه ۹ آبان مدیرکل امور اتباع و مهاجرین خارجی وزارت کشور جمهوری اسلامی اعلام کرد "مهاجرین افغان که بطور غیر مجاز در ایران بسر میبرند" تا پایان آذر ماه سال جاری فرصت دارند به استانداری‌ها مراجعه و "برای بازگشت اقدام کنند". مقام وزارت، در کمال بیشرمی، برای کسانی که داوطلب بازگشت اند ۴۰ دلار وجه نقد، ۵۰ کیلو

گندم، یک تخته زیرانداز و "انتقال رایگان به مرز" پیشنهاد کرد. بدنبال بالا گرفتن اختلافات جنایتکاران اسلامی حاکم در ایران و افغانستان، موج وسیعی از افغان آزاری از ضرب و شتم و کشتن افغانستانی‌های مقیم ایران تا فعال شدن گشت های ویژه برای دستگیری و اعزام آنها به اردوگاه های دولتی تا تشدید توهین و تحقیرشان در ایران براه افتاد. دولت خاتمی و دیگر طرفداران "جامعه مدنی" تا تمامی بخش های اپوزیسیون مجاز داخل تا توده ای و اکثریتی و سلطنت طلب و ملی گرا و غیره، فعال و غیرفعال، پشت این نمایش تمام عیار بربریت و وحشیگری ناسیونالیسم ایرانی رفتند. حرکت اخیر دولت برای "انتقال رایگان افغانها به مرز"، در واقع "میوه چینی" از این دور تعرض فاشیستی ضدافغان است. در عین

حال، و مهمتر، رژیم پا به لب گور نیاز دارد این تنور ارتجاع را هر دوسه هفته یکبار هم زند و آنرا داغ و هار نگهدارد. فاشیسم ضد افغان پرچم مشترک جمهوری اسلامی و نیروهای ناسیونالیست ایرانی است که مستقیما علیه بشریت کارگر و آزادخواه است. تمام کسانی که ریاکارانه در قبال جنایت علیه ساکنین افغانستانی ایران سکوت کرده اند، از جمله آنها که خود را "شاعر" و "نویسنده" و "روشنفکر" مدعی "اومانیسم" و "دمکراسی" میدانند، آنها که علیه احتمال "جنگ" مرتجعین تهران و کابل موضع میگیرند، اما در برابر جنگ جاری و ضدبشری علیه افغانهای ساکن ایران بی تفاوتند، در این معرکه زشت و ضدبشری در کنار جمهوری اسلامی ایستاده اند!

شریف و آزادخواه، افغانستانی های ساکن ایران را شهروندان آن سرزمین میدانیم، برای تحقق کامل و بی قید و شرط حقوق شهروندی شان مبارزه میکنیم و سازمانهای آزادخواه و انساندوست، بویژه تشکلهای کارگری همه کشورها را فرا میخوانیم تا با ما در این مبارزه همصدا شوند.

مصطفی صابر

اول نوامبر ۹۸ (۱۱ آبان)

درگیری مردم پیرانشهر و نیروهای سرکوبگر بدنبال قتل یک جوان توسط مزدوران رژیم

بنا به اطلاعیه کمیته کردستان

حزب کمونیست کارگری ایران روز شش آبان، جوان ۲۰ ساله ای بنام ارسلان در پاسگاه بازرسی بیرون پیرانشهر بر اثر تیراندازی یک مزدور شرور رژیم کشته شد. این مزدور شناخته شده قبلا نیز چندین بار به روی مردمی که به شغل خرید و فروش مرزی اشتغال دارند و از آن نقطه رفت و آمد می کنند آتش گشوده بود. قتل جوان ۲۰ ساله خشم مردم را بیش از پیش برانگیخت و جمعیت زیادی بسوی پاسگاه نیروهای سرکوبگر هجوم بردند که با تیراندازی مزدوران شماری از آنان زخمی شدند. تظاهرات گسترده مردم و خشم آنان علیه سرکوبگران باعث شد که روز بعد هیاتی از ارومیه مرکز استان، به پیرانشهر اعزام شود. طبق خبر شهر پیرانشهر در حالت حکومت نظامی بسر میبرد و مردم از تعرض مکرر نیروهای رژیم بشدت خشمگین و در صدد ابراز اعتراض

عمومی مجدد هستند. اطلاعیه های شماره ۲ و ۳ کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران در همین مورد حاکی از دستگیری وسیع مردم توسط مزدوران است. کمیته کردستان حزب قتل ارسلان بدست آدمکشان رژیم اسلامی را بشدت محکوم کرده و مردم پیرانشهر و شهرهای اطراف را به گسترش اعتراضات عمومی خود علیه حضور نیروهای سرکوبگر رژیم در محیط کار و زندگی شان فراخوانده است. کمیته کردستان با یادآوری قتل جلال پرتوی در مریوان در مردادماه، بار دیگر این ضرورت را خاطرنشان میکند که مبارزه پیگیر، گسترده و متحدانه مردم کردستان تا اخراج کامل این نیروهای کشتار و سرکوب از کردستان و، همراه با مردم محروم و آزادخواه سراسر ایران، تا برچیدن بساط نکتب بار رژیم اسلامی باید ادامه یابد.

از نشریات داخل

شهرام صنیعی

ابرار اقتصادی ۳۰ مهر ۷۷

(توضیح: طی دو هفته گذشته آکسیون ممانعت از سخنرانی فائزه هاشمی در هلند در شماری از رسانه ها و نشریات داخل ایران انعکاس یافت از جمله در همشهری، جمهوری اسلامی، جام جم، ابرار اقتصادی، آریا و ...)

ابرار اقتصادی در شماره ۳۰ مهر با اشاره به ممانعت از سخنرانی فائزه رفسنجانی در هلند به نقل از بی بی سی نوشت: یکی از سازماندهندگان این تظاهرات اعتراض آمیز گروهی بنام حزب کمونیست کارگری ایران است. مینا احدی یکی از رهبران این حزب

گفت: اعضای ما حدود ساعت ده ونیم در مقابل سالن اصلی کنفرانس جمع شدند و خواستار این بودند که سخنرانی خانم هاشمی لغو شود. در داخل سالن بعد از اینکه معاون وزارت دادگستری گفت این جلسه در هر صورت افتتاحیه ای است برای موسسه اسلام شناسی و مجری برنامه اعلام کرد که خانم فائزه رفسنجانی سخنرانی نمیکند ما چند نفر بلند شدیم و گفتیم اگر قرار است اسلام شناخته شود اجازه دهید ما بیاییم و صحبت کنیم. آنها مانع شدند ولی ما ادامه دادیم و درباره اسلام در افغانستان و الجزایر و ایران سخنانی گفتیم. مینا احدی در پاسخ این سوال که شما چه دلیلی برای مخالفت با سخنرانی خانم

هاشمی داشتید گفت: هدف اعلام شده و رسمی ما اینست که اجازه ندهیم عناصر فعال جمهوری اسلامی یعنی کسانی که در روی کار آمدن جمهوری اسلامی و ادامه آن ایفای نقش میکنند پیشان به خارج کشور باز شود و تربیون مجامع بین المللی بدستان بیفتند. **آریا ۳۰ مهر** (مخالفان رژیم) روز سه شنبه با ایجاد اغتشاش سخنرانی فائزه هاشمی در دانشگاه لیدن هلند را که به دعوت دانشجویان مسلمان و وزارت دادگستری این کشور ترتیب یافته بود به اغتشاش کشانده تعطیل کردند ... یکی از اعضای حزبی موسوم به حزب کمونیست کارگری ایران مدعی شده است که اعضای این حزب

در بهم زدن جلسه سخنرانی نقش اساسی داشته اند. **سلام ۳۰ مهر ۷۷** جواد لاریجانی نماینده مجلس: ... پیشنهاد آوردند به مجلس که یک میلیارد دلار از خارج قرض بگیریم که حقوق کارمندان دولت را بدهیم ... خاک بر سر این مجلس که این مصوبه را تصویب کرد ... دولت ما غیرکارآمد است و وکیل ما، نیز، ... خاک بر سر این وکیل، وکیلی که نفهمد استقراض خارجی برای پرداخت حقوق کارمندان فاجعه ملی است ... طی صد سال گذشته ما هیچ تلاشی برای این صنعت نفت که نان مان به آن وابسته است نکرده ایم ... خاک بر سر این دولت و کارشناسان ما.

ایران ۲۷ مهر ستاد امور بانوان آموزش و پرورش اعلام کرد: بر اساس بررسی های بعمل آمده، چهره ارائه شده از زن و مرد در کتابهای درسی نه با واقعیتهای اجتماعی سازگار است و نه با ارزشهای پذیرفته در جامعه. بی توجهی به نقشهای گوناگون زنان در جامعه و غفلت از آنان و تکرار در رسوبات تبعیض جنسیتی در کتابهای درسی، دانش آموزان را در رویارویی با واقعیتها دچار تناقض کرده است. بر اساس همین پژوهش تصویری که دختر کلاس اول دبستان از خود می بیند، تصویری منفعل، تاثیرپذیر، دنباله رو و بدون کمترین مشارکت در عرصه تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است.

دور اخیر دعوا بر سر قانون کار در متن دیگری اتفاق می افتد. در حالیکه جمهوری اسلامی در منگنه رشد اعتراضات مردم، اختلافات حاد درونی و بی سابقه ترین بحران و ورشکستگی اقتصادی گرفتار آمده است، زمزمه "اصلاح قانون کار" از سوی برخی وزرای خاتمی و طراحان "سامان اقتصادی"اش، مخالفت نمایندگان و هیات رئیسه مجلس، وزیر کار و بعد "هشدارها" و "نگرانی های" خانه کارگر، بیشتر جنگی برای انحراف افکار به نظر میرسد. چرا که در دنیای واقعی ماهیست که رژیم اسلامی عملا، و با توافق همه جناح ها، ابتدائی ترین و بدیهی ترین حقوق کارگری را، حتی فراتر از قانون کار ضد کارگری خودش را زیر پا گذاشته است: بسیاری کارگران کار میکنند و دستمزد نمی گیرند. بسیاری کارخانه ها در نوبت هستند تا به چنین وضعی دچار شوند. حتی خود دولت قادر به پرداخت حقوق مستخدمین خود نیست. رکود و بحران سرمایه دارد قانون خودش را به اجرا میگذارد. تحمیل نازلترین زندگی به طبقه کارگر.

دعوی اخیر بر سر قانون کار تنها به کار کشمکش جناحها بر سر قدرت و تبلیغات خانه کارگر جمهوری اسلامی می آید و بس. دعوی واقعی، جنگ علیه قانون کار واقعی و عملی، در اعتراضات کارگری علیه وضع موجود در کارخانه و خیابان جریان دارد. سرانجام این دعوا البته صرفا تغییراتی در قانون کار نمی تواند باشد. مساله بسیار فراتر است. دعوا بر سر بود و نبود نکتب جمهوری اسلامی است. دعوا بر سر سرنوشت سیاسی و اقتصادی جامعه است.

۳۱ اکتبر ۹۸

مصطفی صابر

کارگران و جدال

جناحها بر سر قانون کار اسلامی

دعوی جناحهای جمهوری اسلامی بر سر قانون کار ظاهرا بالا میگردد. صداهایی از درون دولت خاتمی، به طرفداری از بازار آزاد و جذب سرمایه های خارجی، خواهان "تعدیل هایی" در این قانون اند که اخراج و بیکارسازی را آسانتر کند و "شرایط بهتری"، یعنی کارگر بازم ارزانتری، برای سرمایه تامین کند. و از آنسو مجلس اسلامی "مخالف" اینگونه پیشنهاد ها از کار درآمده است. جالب است، مبتکرین و مدافعین دیروز قانون کار اسلامی - جناحی که دولت خاتمی را تشکیل داده، امروز مخالف این قانون شده اند. از آنسو، معترضین و مخالفین دیروز این قانون که آن را بر اساس اصول ناب اسلامی و "در باب اجاره" طلب میکردند، امروز از قانون کار اسلامی بدفاع برخاسته اند!

در این میان شوراهای اسلامی و خانه کارگر جمهوری اسلامی کماکان وظیفه ثابت و دائم خود را پیش میبرد و میکوشد تا اینگونه دعوها را به خوراک تبلیغاتش در کارخانه ها تبدیل کند و کارگران را به طرفداری از قانون کار اسلامی و یا از این و آن جناح "دعوت" کند. کاری که در گذشته در آن موفق نبوده و امروز حتی بیش از پیش حکم مزاح و مسخره دارد. همین واقعیت که جناحهای مخالف رژیم اسلامی در موضعگیری له یا علیه قانون کار چنین آسان جا

عوض میکنند، میتواند نشان دهد که قانون کار اسلامی فعلی تا چه حد ضد کارگری است. این قانون کار که در متن سرکوب شوراها کارگری و عقب راندن کارگران از اجرای ۴۰ ساعت کار و در پی اختناق خونین سال ۶۰ تحمیل شده است، حتی هیچکدام از حقوق پایه ای و اولیه کارگران نظیر آزادی اعتصاب و تشکل و غیره را برسمیت نمی شناسد (به کتاب "کار ارزان کارگر خاموش" مراجعه کنید)

در دور قبلی دعوی جناحها بر سر قانون کار که از سال ۶۰ شروع شد و برای سالها ادامه داشت، چندین پیش نویس نوشته و بعد پس گرفته شد، چند وزیر و دولت آمد و رفت، بارها خود خمینی ناگزیر از مداخله شد، سرانجام "مجمع تشخیص مصلحت" را بنیاد گذارد و تمام تلاش این بود تا آن نقطه تعادل، آن حدی که رژیم اسلامی میتواند خواستهای کارگران را سرکوب کند و جامعه را به قهقرا سوق دهد پیدا شود. اگر رژیم اسلامی مجبور شد از عر و تیز اولیه راجع به "ترازی طرفین" و قوانین فقه اسلامی "باب اجاره" و اینکه "خدا هم کارگر است همه روز روز کارگر است"، کوتاه بیاید فقط این را نشان میداد که چگونه مطالبات مدرن و انسانی یک طبقه کارگر شکست خورده نیز وحشیانه نظیر حکام جمهوری اسلامی را مجبور میکند کوتاه بیایند. از آنسو ناراضیاتی عمیق و توده ای از قانون کار فعلی، قانونی که سرانجام به تصویب رسید، تنها این را نشان میدهد که درجه توقعات کارگران و به این اعتبار جامعه تا چه حد بالا بود و هست.

آدرسهای تماس و حسابهای بانکی حزب کمونیست کارگری ایران

K.A.K Box 29065 100 52 Stockholm Sweden	Postfach 103137 50471 Köln Germany	BM Box 8927 London WC1N 3XX England	W.P.I Box 719stn.P Toronto, ONT .M5S 2Y4 Canada
Postgiro: 4492709-3 K.A.K Box 29065 100 52 Stockholm Sweden	Z.I.KONTO: 17116703 BLZ: 10090000 Berliner Volksbank Germany	Account No:6722-5007687 Royal Bank of Canada 10 Eglinton Ave. E Toronto, Ont M4P 2W7 Canada	

Fax: (1) 416 515 67 22

E.Mail: wp.iran@mailbox.swipnet.se

تلفن تشکيلات خارج کشور
(۴۶)۰۷۰-۵۸۸۵۸۳۶
دوشنبه، چهارشنبه، جمعه ساعت ۱۴-۲۱

اطلاعیه دفتر روابط عمومی حزب کمونیست کارگری ایران

دفتر روابط عمومی حزب کمونیست کارگری ایران، مسئول تماس حزب با خبرگزاریها، رسانهها، نهادهای اجتماعی و فرهنگی و همچنین شخصیتهای سیاسی است. نهادهای علاقمند میتوانند سوالات و پرسشهای خود در ارتباط با اهداف، سیاستها، و آکسیونهای حزب کمونیست کارگری ایران را از طریق تماس با این دفتر دریافت دارند.

به حزب کمونیست کارگری شماره فاکس کمیته داخل حزب
ایران کمک مالی کنید
۱- ۴۱۶- ۵۱۵- ۳۷۶۹